

کسيکه در صدد ترور شخصيت ملالی جوياست، من آن را محکوم ميکنم، شما طرفداران حق و عدالت چي قضاوت ميکنيد؟



جويا بعد از دريافت جايزه شهامت در لندن (۷ اکتوبر ۲۰۰۸)

قلم فرسائی برخی رجل در راستای تخریب و تحقیر ملالی جویا، در این اواخر چون یک عقده چرکین سرباز کرده و به بهانه های مختلف متوجه این شیرزن با شهامت افغان شده است. با آنکه چنین قلم فرسائی ها برای خوش خدمتی به جنایتکاران معلوم الحالی است که در پارلمان افغانستان لم داده اند و تا ختم دوره پارلمان از مصئونیت سیاسی برخوردارند و زور هیچکسی به آنها نمی رسد، مگر به این اشخاص باید گفت که کوشش های مذبوحانه و مزورانه شان به منظور کاستن از محبوبیت ملالی جویا در میان مردم، یک ذره هم از محبوبیت و عزت و احترام او در قلوب هوادارانش نمی کاهد و این روی سیاهی فقط به ذغال میماند.

آنهای که با همه تظاهر به ضدیت با امپریالیزم نمی توانند در میان قشراگاه و چیز فهم کشور از وزن و محبوبیت لازم برخوردار گردند، اکنون از در پست کینه ورزی وارد شده و با کم زدن ملالی جویا، میخواهند برای خود شهرت کمائی کنند، ولی آنها نمیدانند که این شهرت جز نفرت بی پایان هزاران تن از طرفداران ملالی جویا و بدنام شدن خودشان در میان روشنفکران چیز دیگری در برنخواهد داشت.

به نظر میرسد که ادعای برخی از عناصر خودخواه مبنی بر مبارزه علیه قشون سرخ، کاملاً دروغ است، زیرا اگر اینها علیه قشون سرخ عملاً به جنگ های چریکی پرداخته می بودند، با آنکه امروز هزاران کیلومتر از افغانستان دور هستند، چرامی ترسند و حتی جرئت و شهامت ندارند که عکس خود را در کنار نام و نوشته خود بگذارند تا مردم آنها را بشناسند که ایشان چه کسی و صاحب کدام سابقه مبارزاتی است؟ امتناع از نشر عکس شان در صفحات اینترنتی، این تصور را در اذهان خطور میدهد که نکند جناب شان روزگاری با سازمان جاسوسی اکسا یا خاد در ارتباط بوده و می ترسد که مبادا آنها با دیدن سیمایش به افشای اصلیتش مبادرت ورزند.

اما ملالی جویا، فرزند پدرمبارزی که یک پایش را در جنگ با قشون متجاوز شوروی از دست داده، با همه قید و قیودی که در جامعه سنتی افغان در حق زن روا داشته میشود، اینک با روی باز، هم در تلویزیونها ظاهر میشود و هم در پارلمانها و هم در لویه جرگه های افغانستان رو در روی با جنایتکاران جنگی به مبارزه پرداخته و بیبی از ایشان در دل

راه نداده است. همین شجاعت ذاتی و تربیت درست خانوادگی ملالی جویا است که او را ملالی وار شیردختی نترس و دلیر بار آورده و محبوب القلوب همه انسان های وطن پرست، آگاه و با وجدان نموده است.

ملالی جویا، همان دختر شجاعی است که در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان خطاب به جنایتکاران گفت: جای اینها (رهبران و قوماندانان جهادی)، اینجا نیست. جای اینها در پای میز محاکم ملی یا بین المللی است. (سخنی که اگر دل شیر را هم در دل مدعیان دروغینی چون بگذارند جرئت اظهار آنرا در برابر رهبران تنظیمی ندارد) و او با اظهار همین جمله لرزه در دل تمام جنایتکاران انداخت. سپس با "طوبله" خواندن پارلمان (به استثنای برخی از وکلاء) از معاش و امتیازات پارلمانی نیز چشم پوشید، ولی از مبارزه بر ضد جنایتکاران و افشای جنایات شان در حق زن و مرد این وطن هرگز دست نگرفته و نمی گیرد.

اما آقایان از خودراضی و خویشتن بین، اگر ذره ای شهادت دارند، بفرمایند و از امتیاز یک خانه خیراتی با پنجمصد دالر سوسیال چشم ببوشند تا ما هم بگوئیم که آقای انقلابی نما واقعاً مرد مبارز و آشتی ناپذیر با امپریالیزم است و اینک از گرفتن خیرات امپریالیزم و خانه امپریالیزم مردانه در گذشته و مثل هزاران و میلیونها انسان بی خانه و بی کاشانه افغان در وطن خود زندگی میکند و بانوکران و جیره خوران امپریالیزم و اشغالگران مبارزه می نماید و دست طمع رابسوی دولت افغانستان تا زمانی که نیروهای خارجی در کشور حضور دارند دراز نمیکند.

از زیر لحاف امپریالیزم، حمله کردن بر صادق ترین و شجاع ترین فرزند افغانستان که در کنار مردم رنجکشیده خود زندگی میکند، کمتر از حمله اوباشان جنایتکار نم داده در پارلمان بر ملالی جویا به حساب نمی آید و این یک نوع ترور شخصیت است.

من فکر میکنم اگر ربانی و قانونی و سیاف و دیگر جنایتکاران صدها هزار دالر مصرف میکردند تا دهن آن عده از هواداران ملالی جویا را که مقالات متعددی در دفاع از این شیرزن افغان نوشته اند، ببندند، شاید نمیتوانستند بست، مگر یک سفسطه گوی انقلابی نما از سوی جنایتکاران جنگی چنانبسادگی تطمیع شده که بایی حیائی تمام، با افترا و دروغ و اتهام و برچسپ زندهای نامردانه، تیغ بر روی ملالی جویا کشیده، و قصد کرده تا شخصیت این زن قهرمان را ترور کند و با این کار خود، جنایتکاران را شاد و برطرزید رفقای همکار خود خط بطلان بکشد.

از نظر این انقلابی نما، آنهای که بخاطر سیر کردن شکم گرسنه اطفال سرو نیم سر خود در دولت کرسی کار میکنند، یا بخواهند کار کنند، خاین و قابل محاکمه پنداشته میشوند، پس میدانم وی در مورد آنانی که از سی سال پیش به آغوش امپریالیزم پناه برده و از برکت امکانات همین امپریالیزم صاحب زندگی شاهانه گردیده اند، چی نظری خواهد داشت؟ حتماً اینها را به جرم پناه جستن به غرب و گرفتن معاش و کار در سرزمین امپریالیستها کم از کم گردن خواهد زد.

نمی دانم آنانی که تا دیروز هوادار سینه چاک ملالی جویا بودند، چرا امروز همگی شان اینقدر بی تفاوت شده اند و از ترس این پتیازه لافوک و دورغ گو، جرئت تردید یاوه سرانیهای او را ندارند؟ واقعاً برای کسانی که صادقانه مدعی دفاع از حق و عدالت و حقوق بشر اند، هرگز قابل تحمل نیست که ببینند در جلو چشم شان یک فرزند شرافتمند وطن گلو بریده میشود، ولی آنها از روی مصلحت (یا از ترس اینکه اگر عکس العملی از خود نشان بدهند، مبادا مثل من با تیغ تهمت اعدام گردند)، هیچگونه واکنشی از خود نشان ندهند و احساس مسئولتی نکنند و نگویند که ای مردک! دست نگهدار! از این پیشتر جلو نروکه، دشمنی با عدالت و انصاف و دشمنی با انسانیت است و ما اجازه نمی دهیم که انسانیت قربانی تصمیم انسان های جاه طلب و دیوانه گردد.

این توطئه گر حرفه ئی، برای کم زدن ملالی جویا، حتی به هزاران انسان مظلوم و مصیبت دیده ولی باشعور و عدالت خواه فراه که برای ملالی جویا به عنوان وکیل در ولسی جرگه رای داده اند نیز تهمت و توهین روا داشته، میخواهد بگوید که آنها تطمیع شده اند و با زور پول و تفنگ و ادار به رای دهی به ملالی جویا شده اند. چنین تهمت هایی فقط از ذهن شکاک و بیوپنک زده چون انقلابی قلابی میتواند تراوش کند که خود را مافوق همه مردم تصور میکند و بخود حق میدهد تا بر همه کرده های مردم شک و تردید داشته باشد، بدون اینکه اجازه بدهد از وی پرسیم: آقا شما چند بیکه این ملک هستید که به زمین و زمان می تازید و همه چیز را در ترازوی ذهن "پُل پوتی" خود سبک و سنگین میکنید؟ هزاران زن و مرد شهر فراه با چشم باز و هوش روشن خود، ملالی جویا را برگزیده اند و هیچ جبر و اکراه و نیرنگی در کار گزینش ملالی جویا به عنوان وکیل مردم فراه در کار نبوده است و اصلاً انتخاب ملالی جویا هیچگونه ربطی هم بشما ندارد و تردید یا تائید شما از ملالی جویا نزد موکلین جویا به اندازه پیشیزی هم اهمیت ندارد.

این انقلابی قلابی، بر ملالی جویا خرده می گیرد که چرا با پول کشور های امپریالیزم به امریکا و اروپا سفر میکند؟ به چنین سوالهای که به تف سربه بالامیمانند باید گفت که: جناب! ملالی جویا هرباری که به اروپا یا امریکا و یا استرالیا مسافرت کرده، بنا به دعوت پارلمان ها و یا نهاد های مدافع حقوق بشروسازمانهای مستقلی بوده است که با افتخار از ملالی جویا دعوت به عمل آورده اند و او هنگام سخنرانی خود در این کشورها، هیچگاهی از انتقاد بر عملکرد دولت

کشور میزبان در رابطه با دنباله روی از سیاست امریکا(که گروه جنایتکار ایتلاف شمال را برگردنه مردم مظلوم افغانستان دوباره سوار کرده)، دریغ نکرده است و این انتقادات او همواره با کف زدن و شور و شادباش های حاضرین بدرقه شده است، اما جناب شما چرا با پول خیرات سوسیال کشور میزبان خود هر سال چندین بار از امریکا به اروپا سفر میکنید؟ شما بگوئید که چند تن از رجال و شخصیت های پارلمانی یا نهاد های حقوق بشر از شما دعوت و استقبال کرده و میکنند و تا کنون چندتا مدال و جایزه از مدرک درفشانی های انقلابی خود به دست آورده اید؟ بجز ترورشخصیت های ملی و تفرقه اندازی در میان صاحبان قلم؟

کامیار احدی از کابل نوشته میکند: "... سال گذشته جويا به دعوت جنبش ضد جنگ یک ماه کامل در شهرهای مختلف کانادا سخنرانی کرد و سیاست های جنگ طلبانه امریکا و کانادا را افشا کرد و به مردم آگاهی داد. پروفیسور دینس رانکورت یکی از استادان پوهنتون اتاوا در جریان سفر جويا طی مقاله ای نوشت:

«صحبت جويا مانند یک تیغ بران بود که شرانین شبکه تبلیغاتی امریکا - کانادا را قطع کرد. جويا بجز تقبیح و تکذیب دروغ و کمک به مردم خود، انتخاب دیگری ندارد. او از زنان، کودکان و مردم بی بضاعت دفاع می کند. زندگی جويا فریادی است برای عدالت و رفاه همگانی. تمامی اعضای پارلمان باید از ملالی جويا بیاموزند.»

مقاله کامل این نویسنده در مورد جويا: <http://canadiandimension.com/articles/2006/09/15/660> اما این جناب (موسوی) فقط یاد دارد که در زیرخانه خانه اش شعار ضد امپریالیزم دهد و آنرا راه حل مسئله افغانستان بداند، اما نمیداند و یا خود رابه نفهمی میزند که مبارزه "ضد امپریالیستی" ادعایی اش بدون عمل در داخل افغانستان بی ارزش ترین و مفت ترین کاریست که به درد این وطن نمیخورد.

اگر وی کمی وجدان و دلسوزی به حال مردم افغانستان دارد، اولتر از همه بفرماید از زندگی آسوده در کانادا دست بردارد و برود و این به اصطلاح مبارزه اشرا در داخل افغانستان به هر شیوه ای که میخواهد پیش ببرد که آنوقت بشود او را فرد واقعا مردمی و وطن دوست نام گذاشت. تا آنوقت جز یک شعار باز ناکاره اهمیت بیشتری نزد مردم ما نخواهد داشت." (بخش نظرخواهی پورتال افغان- جرمن آن لاین- ۲۳ دسمبر)

و آخرین سخن متوجه آنهاست که تا دیروز در دفاع از ملالی جويا مقاله مینوشتند و به سایتها میگذاشتند، ولی امروز که در پیش چشم شان، این انقلابی قلابی با قساوت چنگیزوار خود، گلوی این شیرزن وطنخواه را می برد، نمیتوانند صدای خود را بکشند که: ای انقلابی فراری، ای مدافع دروغین مردم فرودست جامعه، توحق نداری باحرافی و لفاظی، به ترور شخصیت کسی به پردازی که در شهامت و شجاعت خود صد بار از تو و امثال تو پیش قدم تراست و تا هنوز مرتکب هیچ جرم و جنایت و خیانتی در حق مردم خود نشده است. من احسنت میگویم به آقای فروتن که با جواب دندان شکن خود، این آقا را بر سر جایش نشاند تا دیگر پایش را از گلیمش دراز تر نگذارد. و آفرین میگویم بر "کمباور کابلی" که خطاب به کج اندیشان ضد ملالی جويا می گوید:

خبر دهید کج اندیش بی سر و پا را	که تهمت از چه زنی شیر بیشه، جويا را
به چشم مادر میهن چگونه مینگری؟	که پرده پوش شوی جانیان رسوا را
به هر کجا که رسیدند کشتند و بردند:	زنان حامله، نوباوگان نو پا را
چه کس شنیده در آفاق شرق و غرب جهان	بگردی یکسره گر خشکه را و دریا را
که زیر سقف نشانند قاتل و مقتول	براین "درامه" گذارند، اسم «شورا» را
چرا جهادی و خلقی حساب پس ندهد؟	به ریش خلق بخندد، بی محابا را
همان که کابل و کوخس ز بیخ و بن برکند	به خود فزود، دو صد اسم بی مسما را
جهاد وجیع بنفشست چه ارمان آورد؟	گرسنه گان وطن، کودکان تنها را

در اخیر به شیرزن دلیرفراه، ملالی جان جويا، که شهرت و محبوبیتش جهان شمول است میگویم که: دخترم! شاد و سر بلند باش و فکر را به تهمت زدنهای پوچ و لایعنی دشمنان حق و عدالت خراب مکن! همه حق جویان و عدالت پسندان با وجدان وطن از شما دفاع میکنند و بایستی سخن پراکنی های افراد جاه طلب از خود بسیار راضی را به حساب این شعر مولانا گذاشت که ۸ قرن قبل گفته است:

مه فشانده نور و سگ عو عو کند

هر کسی بر طینت خود می تند

مولوی

پایان